

بازیگری از جنس موم

در این فیلم عنوان اولین تجربه بازیگری جمشیدی در سینما را رقم زد و در کارنامه کاری او به ثبت رسید. وی با ایفای نقش، در خوب بد جلف، نیز مورد تحسین قرار گرفت و زوج هنری پژمان جمشیدی با سام درخشلی از همین فیلم شکل گرفت و محبوبیتی که در میان مخاطبان پیدا کردند مسیر آینده او در همکاری مشترک با سام درخشلی را در فیلم‌های تگزاس و تگزاس دو هموار ساخت. محبوبیت زود هنگام جمشیدی مورد توجه فیلمسازان نیز قرار گرفت و با بازی در شش فیلم سینمایی، یک مجموعه تلویزیونی و یک تئاتر، او را به پرکارترین بازیگران سال ۱۳۹۷ تبدیل کرد. البته این رکورد در سال بعد ۱۳۹۸ نیز با اکران سه فیلم ایده اصلی، ماهمه با هم هستیم و تگزاس ۲ به عنوان پرکارترین بازیگر مرد سینما در شش ماه نخست سال حفظ شد. شاید باورش کمی سخت باشد اما او در تئاتر نیز حضور فعالی دارد و در بین سال‌های ۹۳ تا ۹۸ در ۲۰ نمایش ایفای نقش کرد. فروش ۶۲ میلیاردی و ۷۹۱ میلیون تومانی از مجموع پنج فیلم در سال ۱۳۹۸، با بازی جمشیدی توانست جانی به سینمای ایران بدهد و همین عاملی شد که لقب پول‌سازترین بازیگر در این سال را به خود اختصاص دهد.

درخشش جمشیدی در مجموعه تلویزیونی زیرخاکی، در سال ۱۳۹۸ شدید به دل مخاطب نشست و او در نقش فریبرز باغبان، کاراکتری را به مخاطب عرضه کرد که او را به عنوان بازیگری چندبعدی و از جنس موم، به همگان معرفی نمود. گویی او از کودکی می‌بایست به این حرفه ورود می‌کرد و حضورش در عرصه ورزش و تشویق خانواده، بزرگترین اشتباه تاریخی و استراتژیکی خانواده جمشیدی بود.

مجموعه تلویزیونی زیرخاکی، در شبکه یک با جذب ۴۴ درصد مخاطب در صدر آثار تلویزیونی قرار گرفت. ایفای نقش در زیرخاکی ۱ و ۲، در سال ۱۴۰۰، تندیس بهترین بازیگر مرد کمدی تلویزیونی را از بیست و یکمین دوره جشن حافظ، برای او به ارمغان آورد.

در همان سال ۱۳۹۸ جمشیدی برنده اینترنتی فوتبال ساخته عادل فردوسی‌پور به نام کلاسیکو را اجرا کرد که با حضور علی دایی همراه بود و این برنده رکورد پر بیننده‌ترین برنامه اینترنتی را بدست آورد و به این ترتیب عرصه اجرا را هم در نوردید و در سال ۱۴۰۰ نیز در یک تاکشوی اینترنتی متفاوت با نام پیشگوه مجری‌گری پرداخت.

گویا جمشیدی در هر عرصه‌ای حرفی برای گفتن دارد و این انرژی و فعالیت از کسی که پیش از این ورزشکار بوده و هیچگاه آرام و قرار نداشته است بعید نیست. اما حتما می‌داند مسیری که در هنر طی می‌کند و شهرت و محبوبیتی که به دست می‌آورد، کاملاً با ورزش فوتبال متفاوت است. یک فوتبالیست هر اندازه که بیشتر گل بزند، بیشتر در دل مخاطب و علاقه‌مندان فوتبال جای می‌گیرد. اما در عرصه بازیگری اگر یک هنرمند درست انتخاب نشود یا درست انتخاب نکند و یا بیش از اندازه جلوی دید مخاطب بلند یا اصطلاحاً دسترسی به او سهل باشد، خیلی زود از چشم مخاطب می‌افتد، چرا که مخاطب سینما، تئاتر و تلویزیون حساس و تنوع طلب است.



پژمان جمشیدی، متولد ۱۰ شهریور ۱۳۵۶، که بزرگ شده گوهر دشت کرج است، در سال ۱۳۸۸ از فوتبال خداحافظی کرده و در سال ۱۳۹۰ با بازی در قسمتی از مجموعه تلویزیونی ساختمان پزشکان، استعداد خود را در عرصه‌ای دیگر از زندگی پر فراز و نشیب خود محک می‌زند. اوبا پشتکاری که از ورزش فوتبال به ارث برده و خود را تاقه آن که بازی در تیم ملی است بالا کشانده بود، تصمیم می‌گیرد این بار در عرصه بازیگری به موفقیت برسد گویی تلاش او نوعی مبارزه با غم و اندوه است و اگر چه به سمت بازی‌های جدی هم رفته است اما خود را با نقش‌های کمدی جای خود را در دل مخاطبان و تماشاگران ایرانی باز می‌کند.

جمشیدی با توجه به بازی در مجموعه تلویزیونی ساختمان پزشکان، هنوز در عرصه هنر جایگاهی برای خود دست و پا نکرده است که در سال ۱۳۹۲، برای بازی نقش اول مجموعه تلویزیونی پژمان، نوشته پیمان قاسمخانی و کارگردانی سروش صحت، دعوت می‌شود. او قرار است در این مجموعه تلویزیونی، نقش خودش یعنی ستاره پیشین پرسپولیس را بازی کند. نقش فوتبالیستی که برای چهارمین فصل بی دربی با وجود تلاش بسیار، موفق نمی‌شود تیمی را برای خود پیدا کند. اما با این وجود، همچنان در حال و هوای شهرت به سر می‌برد. او به همراه مدیر برنامه‌اش به دنبال تیم می‌گردد و در این مسیر اتفاقات جالبی برای او و مدیر برنامه‌اش رخ می‌دهد.

پژمان جمشیدی، با پذیرش بازی در این مجموعه، گویی اوتانازی می‌کند و شخصیت پژمان جمشیدی فوتبالیست را با مرگی شیرین، باوقار و خودخواسته و بدون بی‌حرمتی کنار می‌گذارد و قربانی می‌کند تا فضا برای شخصیت حرفه‌ای جدید او باز شود. او نمی‌خواهد سایه شهرت فوتبالیست بودنش در زندگی کاری آینده‌اش نقشی داشته باشد. بنابراین با تلاش و اخلاق حرفه‌ای راه پیش روی راطی و ناهمواری‌ها را کنار می‌زند و خیلی زود در بین هنرمندان و تماشاگران سینما و تلویزیون جایز می‌کند. اگر چه برخی با بازی او مخالف هستند و معتقد هستند در فوتبال استعدادی از خود نشان نداد و حالا در این عرصه بازیگری چه گلی به سر سینما خواهد زد. اما چیزی که مشخص است این دسته از همکاران نمی‌توانند منکر شوند که او در عرصه فوتبال تا تیم ملی پیش رفت و در بازیگری نیز اگر چه انتهایی ندارد اما تبدیل به بازیگری محبوب و پول‌ساز برای سینمای

ایران شده است. نقش آفرینی او در فیلم‌های سوخته‌فام (۱۳۹۶)، شیشلیک (۱۳۹۹) و علفزار (۱۴۰۰) که منجر به نامزدی دریافت جایزه سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر شده است. و همچنین نقش آفرینی او در مجموعه تلویزیونی زیرخاکی که برایش تندیس جشن حافظ بهترین بازیگر مرد کمدی در تلویزیون را به همراه داشت، گواه بر این مدعا است.

در همان سال ۱۳۹۲ که در مجموعه تلویزیونی پژمان، ایفای نقش کرد، بازی او به مذاق تهمینه میلانی خوش آمد و از او دعوت کرد تا در آتش بس ۲، حضور پیدا کند. و بازی



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت‌الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

زمان کوتاهی برای موفقیت

سمیه نجفی خاتونی - در یک پنج‌شنبه از روزهای گرم شهریور ماه ۱۳۵۶، ساعت هشت و سی دقیقه صبح در بیمارستان آریا، واقع در بلوار کشاورز به دنیا آمد و به جمع خانواده فرهنگی جمشیدی، پیوست. پدری که دبیر زیست‌شناسی بود و مادری که خاک گچ‌های رنگارنگ پای تخته‌های سیاه مدرسه ابتدایی را که گاهی شاید سبز رنگ هم بودند، بر روی دست و شله‌های‌اش تحمل می‌کرد و با عشق، به فرزندان ایران زمین، مشق لَف -سای زندگی، می‌داد. نام فرزند دوم خانواده را پژمان گذاشتند. نام مرکی از پژم، به معنای کوه، به هم الف و تون که معنای پژمرده و افسرده و غمناک می‌دهد، اما پژمان، قرار نیست نقشه راه زندگی‌اش را بر اساس معنای نامی که دارد، تعریف کند. از آن جایی که پدر علاوه بر دبیری علاقه به ورزش داشت، پژمان نیز به سمت ورزش گرایش پیدا می‌کند. اما دنباله روی ورزش پدر نشد و فوتبال را به عنوان ورزش اصلی خود برگزید.

پژمان، فوتبال را از توجولی و در تیم نوجوانان باشگاه دارایی تهران، به‌طور حرفه‌ای فرا گرفت. ۱۵ ساله بود که به باشگاه کشاورز تهران پیوست و در ۶۷ بازی ۷ گل به ثمر رساند. در سال ۱۳۷۴ به تیم ملی نوجوانان ایران دعوت شد. استعداد جمشیدی در باشگاه سلیپا تهران مورد توجه قرار گرفت که سکوی پرش او برای پیوستن به تیم ملی جوانان و تیم ملی امید ایران شد. در نهایت در اوج موفقیت ۱۴ بازی برای تیم ملی بزرگسالان را در کارنامه خود به ثبت رساند و در سال ۱۳۸۸ از زمین مستطیل سبز خداحافظی کرد.

او دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی عمران، بود که عشق به فوتبال او را از ادامه تحصیل باز داشت. هنوز نمی‌دانست که سال ۱۳۹۰، که نخستین جایزه لیکار سینمای ایران توسط فیلم‌جدایی نادر از سیمین، به کارگردانی اصغر فرهادی کسب شد، مسیر زندگی او تغییر و وارد دنیای هنر بازیگری می‌شود. دنیایی که در مدت زمان کوتاهی او را به پول‌سازترین و فعال‌ترین بازیگر سینمای ایران، تبدیل می‌کند.



www.mci.ir

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول

